

راهنمای متون کلاسیک

راهنمای خواندن 'شهریار' ماکیاوولی



میگل وتر

ترجمه محمد ملاعباسی



• فهرست •

سخن ناشر / ۹
مقدمه مترجم / ۱۳
سیاسگزاری / ۲۱

———— [۱] ————

زمینه:

نوزایش و «بزنگاه» ماکیاوولی / ۲۳
زندگی یک مورخ سیاسی / ۲۳
تعلیمات آموزگار سیاست / ۴۱
نوزایش یا ارزش تاریخ برای زندگی / ۵۴

———— [۲] ————

نمای کلی:

شهریاریه منزله خطابه و فلسفه / ۵۹
شهریار و علم سیاست مدرن / ۵۹
نقشه این راهنمای خواندن / ۶۵

———— [۳] ————

اغوای شهریار:

تقدیم به لورنتسو دی مدیچی / ۶۹
پرسش‌های تمرینی / ۷۵

———— [۴] ————

فراچنگ آوردن دولت:

فصل اول تا ششم / ۷۷
درسی مفید برای پادشاهان / ۸۹
پدران بنیان‌گذار و بقیه اسطوره‌ها / ۹۵
پرسش‌های تمرینی / ۱۰۳

زمینه:

نوزایش و «بزنگاه» ماکیاوللی^۱

زندگی یک مورخ سیاسی

نیکولو ماکیاوللی از بارورترین درخت‌هایی است که روی خاک فوق‌العاده حاصلخیز فلورانس در دوره نوزایش روییده است. ماکیاوللی در ۳ مه ۱۴۶۹ در این شهر متولد شد و در ۲۲ ژوئن ۱۵۲۷ همان‌جا درگذشت. برخلاف بسیاری از دیگر هنرمندان و اندیشمندان و دولتمردان آن دوران، ماکیاوللی در یکی از آن خانواده‌های ثروتمند و اشراف‌زاده‌ای که امور شهرها را در دست داشتند به دنیا نیامده بود. اما پدر او، برناردو، حقوق‌دان و متفکر تفننی^۲ (یا به قول خودشان «اومانیست»)،

۱. تعبیر بزنگاه ماکیاوللی (The Machiavellian Moment) تعریضی است به عنوان کتابی از جان پوکاک. سیدجواد طباطبایی درباره این کتاب می‌نویسد: «پوکاک بود که در آغاز دهه هفتاد سده گذشته میلادی ... رساله‌ای مهم با عنوان *The Machiavellian Moment* نوشت و راهی نو در پژوهش‌های مربوط به بسط و انتشار نظریه جمهوری خواهی فلورانس در انگلستان و آمریکا گشود». (طباطبایی، جواد، تأملی در ترجمه متن‌های اندیشه سیاسی جدید، ۱۳۹۲، انتشارات مینوی خرد، ص ۱۳۱).

با همان امکانات محدودش کوشید تا برای فرزندش آموزش آبرومندانانه‌ای در «هنرهای آزاد» فراهم کند. باوجوداین نتوانست هزینه‌تعالیمی را بپردازد که برای تدریس در دانشگاه یا پیش‌گرفتن حرفه‌وکالت ضروری بود. اگر کسی با ثروتی مثال‌زدنی پا به دنیا نمی‌گذاشت، راهی که برای بالارفتن از پله‌های ترقی در جامعه‌فلورانس پیش رو داشت، یا کسب توانایی در تجارت و بانک‌داری بود (و این کارها مستلزم تعلیمات مقدماتی در ریاضیات و دفترداری و نیز نامه‌نگاری به مراجعان و انجمن‌ها بود) یا دانش‌اندوزی در یکی از رشته‌هایی بود که دوباره باب شده بود و به‌تازگی به آن «علوم انسانی» می‌گفتند. تحصیل علوم انسانی مستلزم آموختن زبان لاتین و چه‌بسا یونانی بود تا بشود از فرهنگ کلاسیک رومیان و یونانیان، یعنی خطابه‌ها و تاریخ‌ها و سیاست‌های آن‌ها، بهره برد. از سده‌های دوازدهم و سیزدهم میلادی، که شهرهای خودگردان ایتالیا رونق گرفته بودند، این آموزش‌های «آزاد» به یکی از ضروریات هر کسی تبدیل شده بود که آرزو داشت در اداره این شهرها مداخله کند.

برناردو ماکیاوولی باید در محافل اومانیستی فلورانس شخصیت نسبتاً محترمی بوده باشد، چرا که اومانیست و افلاطون‌گرای مشهور، بارتولومئو اسکالا^۱، رئیس سابق شهر فلورانس، در یکی از رساله‌هایش، درباره‌قوانین و احکام حقوقی^۲، از برناردو یاد کرده است. بنابراین، شوق سیاست و علوم انسانی را پدر ماکیاوولی از اوان کودکی در دل او کاشت. در همان دوران، ایده کتابخانه‌های عمومی در ایتالیا، بعد از قرن‌ها بی‌اعتنایی آشکار، جان تازه‌ای گرفته و جنون کتاب میان اومانیست‌ها شروع شده بود، جنونی که هنوز هم فروکش نکرده است.

۱. Liberal arts: در دوره نوزایش، به مجموعه دانش‌ها و فنونی اطلاق می‌شد که هر انسان آزادی که بخواهد در جامعه نقشی بر عهده بگیرد می‌بایست از آن‌ها بهره داشته باشد. مهم‌ترینشان عبارت بود از: ادبیات، منطق، تاریخ، ریاضی، جغرافیا و...
 ۲. Bartolomeo Scala
 ۳. On Laws and Legal Judgments

به همین دلیل، داشتن کتابخانه‌ای سترگ، احیاناً مزین به نسخه‌هایی از دست‌نوشته‌های باستانی تازه‌کشف‌شده، مایه‌مباهات بود. برناردو هم، گیریم از سر فروتنی، تمام تلاشش را کرد تا کتابخانه‌ای آبرومند جمع‌آوری کند، همان کتابخانه‌ای که در آن ماکیاوولی با برخی از مورخان و فیلسوفان یونانی و رومی (از جمله لیوی و سیسرو، پولی بیوس و ارسطو) آشنا شد؛ بعضی از چهره‌های فلسفه مدرسی (آکوئیناس) را شناخت و شعر و ادبیات ایتالیایی (از جمله دانته و پترارک و بوکاچینو) را خواند.

اما اشتیاق اصلی ماکیاوولی زندگی در بحر تأمل و تفکر نبود، بلکه سیاست و زندگی پُرجنب و جوش بود. ماکیاوولی، در مقایسه با دیگر اومانیست‌های همدوره خویش، عالم فاضلی محسوب نمی‌شد و به کتاب‌های باستانی، محض خاطر خودشان، عشقی عتیقه‌پرستانه نداشت؛ چیزهایی را می‌خواند و می‌نوشت که فکر می‌کرد برای فهمیدن دنیای سیاسی مفید است، همان دنیایی که ماکیاوولی شغل دیپلماتیک خود را در آن پی می‌گرفت. فقط یک‌بار که شغلش را از دست داده و بیکار و بدنام شده بود، فرصت آن را پیدا کرد که بعد از ظهرهای خود را به خواندن و اندیشیدن و مصاحبت با نویسندگان باستانی بگذراند، «آنجا که یگانه غذایی که مخصوص من است و برای آن به دنیا آمده‌ام با گرما و محبت به من می‌بخشیدند». اما حتی چنین مطالعاتی نیز به هدف جلب توجه کسانی انجام می‌گرفت که فی‌الحال در قدرت بودند یا ممکن بود روزی به قدرت برسند: هر کسی که می‌توانست به ماکیاوولی کمک کند تا دوباره به دنیای پرجنب و جوش سیاست بازگردد. ماکیاوولی باطنزی بی‌همتا و ملامت‌بار درباره‌خودش می‌نویسد که حتی وقت‌هایی که بیکار و مطرود است، کتاب‌ها باید صبر کنند تا در **همان سرایی آن دور و برها «تقریباً کل روز را به ول‌چرخیدن و کریکا» و تخته‌نرد بازی کردن» بگذرانم، آن هم «با یک قصاب و یک آسیابان و دو آجرساز ...**